



## بررسی مقایسه ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر شیراز

امیر محمودی<sup>۱</sup>

زهرا نیکخواه<sup>۲</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد و دانشگاه بین المللی پیام نور مرکز عسلویه

amir.mahmoodi1@gmail.com

### چکیده:

هدف از نگارش این مقاله؛ «بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر شیراز» می باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی است. در این تحقیق، با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله و فرمول حجم برآورد نمونه (لین)، برای جامعه آماری این پژوهش که ۲۲۶۸۴۹ نفر می باشد، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۵۵۷ نفر محاسبه شد که جهت اطمینان بیشتر نتایج، حجم نمونه به ۶۰۰ نفر افزایش یافت. از آنجا که این پژوهش در دو منطقه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین انجام شده، لذا نمونه مورد نظر در دو منطقه به تعداد ۳۰۰ نفر توزیع شده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه می باشد. در این تحقیق بر اساس نظریه های فوکویاما، پاتنام، اوفه و فوش و همچنین دیدگاه اجتماع گرایی به بررسی تفاوت مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که به واسطه شرایط خاص حاکم بر مناطق حاشیه نشین، بین این مناطق و مناطق غیر حاشیه نشین از لحاظ شاخصهای سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. به جز شاخص های هنجارهای همیاری و مشارکت غیر رسمی (که در مناطق حاشیه نشین میزان های بیشتری به دست آمد) در بقیه شاخص ها، میزان های بدست آمده در مناطق غیر حاشیه نشین بیشتر می باشد. در کل نتایج پژوهش نشان داد که حجم سرمایه اجتماعی موجود در مناطق غیر حاشیه نشین بیشتر از مناطق حاشیه نشین است.

**کلید واژه ها:** سرمایه اجتماعی، حاشیه نشین، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شیراز

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد جامعه شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد و دانشگاه بین المللی پیام نور مرکز عسلویه

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد





## مقدمه و بیان مسأله:

سرمایه اجتماعی به یکی از بحث انگیزترین و جنجالیترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است. این مسأله نه تنها در اروپا و آمریکا - به واسطه وجود ماهیت بسیار فرد گرایانه روابط اجتماعی معاصر - مورد توجه قرار گرفته بلکه در عین حال سرمایه اجتماعی به سرعت به ابزار تحلیل اصلی پژوهش‌های جدید توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. با وجود آنکه در اکثر مطالعات به نقش سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلف توجه شده است در بحث توسعه به نوعی اهمیت سرمایه اجتماعی رنگ بیشتری می‌گیرد. طی سالیان متمادی اکثر برنامه‌های توسعه‌ای حول محور سرمایه اقتصادی دور می‌زد و مفاهیمی مانند تولید ناخالص ملی بر اندیشه‌های توسعه‌ای مسلط بوده و اکثر این برنامه‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی و با همکاری دولت‌های جهان سوم یکی پس از دیگری تنظیم و فرمول‌بندی می‌شد. ایران نیز از این امر مستثنی نبود و برنامه‌های توسعه‌ای تحت تاثیر دیدگاه‌های موجود در جهان، به صورت هنجاری و از بالا به پایین، از خارج تدوین و به محله اجرا در آمد. نکته‌ای در این میان نادیده گرفته شده بود. آن‌ها به آگاهی‌های توسعه‌ای موجود در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مردم و همچنین مشارکت افراد در جریان برنامه‌ها توجهی نشان ندادند. در نتیجه به واسطه ایجاد سرمایه داری وابسته و الگوهای نامتوازن و برون زای توسعه نه تنها بهبودی همه جانبه حاصل نشد، بلکه این امر تعادل و توازن روستا را بر هم زد، و به مهاجرت روستائیان به شهرها شکل بحرانی و شتاب آلوده‌ای داد. در واقع اکثر این مهاجرین افرادی بودند که پس از مهاجرت به واسطه فقر شدید ناچار به ساکن شدن در مناطق حاشیه‌ای شدند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸، ۱۱۷). یکی از عوامل موثر بر مشارکت افراد در توسعه و کاهش مسائل و مشکلات ناشی از توسعه نامتوازن، عنصر سرمایه اجتماعی است. همانگونه که اغلب جامعه‌شناسان عنوان کرده‌اند، این عامل می‌تواند اطمینان و کاهش انحرافات و مسائل اجتماعی و توسعه همه جانبه را برای یک منطقه به ارمغان آورد. شهر شیراز نیز همانند دیگر شهرهای ایران، در دو سه دهه اخیر تعدادی از مناطق حاشیه‌ای را به خود دیده است. با وجود آنکه در شهر شیراز از شکل‌های قدیمی‌تر مناطق حاشیه‌ای یعنی خانه‌های در حال تخریب و آلونک نشین کمتر دیده می‌شود، ولی هنوز مناطقی وجود دارد که با وجود قرار گرفتن در محدوده اقتصادی شهر هنوز جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. به واسطه وجود انبوهی از مسائل و مشکلات و ویژگی‌های خاص این مناطق، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد،





مشارکت و ... در سطح بسیار پایینی بوده، و در نتیجه از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. این سطح پایین تر سرمایه اجتماعی، توسعه این مناطق را کند و بعضاً غیر ممکن ساخته است. بنابر این در این کار سعی شده است که سرمایه اجتماعی و مولفه های آن در مناطق حاشیه ای و غیر حاشیه های سنجیده و مورد مقایسه قرار گیرد تا از این طریق بتوان به توسعه مناطق حاشیه ای و کاهش معضلات آن اقدام کرد.

### فضای مفهومی سرمایه اجتماعی :

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که در بررسی های اقتصادی و اجتماعی مدرن مطرح گردیده است. این مفهوم از اوایل دهه ۹۰ وارد متون توسعه ای، جامعه شناسی و سیاسی شده است. از نظر برخی صاحب نظران سرمایه اجتماعی مفهومی با صورت جدید اما محتوایی کهن است. ایده مذکور این است که مشارکت در گروه های اجتماعی نتایج سودمندی برای فرد و جامعه دارد و این ایده در آرا و آثار اندیشمندان کلاسیک همچون کارل مارکس، جورج زیمل، امیل دورکیم و تالکوت پارسونز و مارکس وبر، ایده ها و تعبیری همچون نفع شخصی، ارزش ها و اعتماد وجود دارد (نوروز پور، ۱۳۸۳ : ۱۸).

تعریف سرمایه اجتماعی با توجه به حوزه جغرافیایی جامعه شناسی تفاوت می پذیرد. تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه شناسی آمریکایی روایت کارکرد گرایانه آن عبارتست از روابط دوجانبه، تعاملات، شبکه هایی که در گروه های انسانی پدیدار می گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاص به عنوان پیامد تعهدات و هنجار های پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می شود. در مقابل جامعه شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می کند (وال، ۱۹۹۰ : ۳۰۴ به نقل از ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰).

از دیدگاه پورتس در حوزه جامعه شناسی، محققین معنای این مفهوم را به اشکال سه گانه زیر تعریف کرده اند: ۱ منشأ کنترل و نظارت اجتماعی ۲ منشأ منابعی که از طریق کانون خانواده بدست می آید. ۳ منشأ منابعی که از طریق شبکه های اجتماعی غیر از خانواده بدست می آید (سندات و پورتس، ۱۳۸۲ : ۱۰).





## دیدگاه های نظری در مورد سرمایه اجتماعی

**الف دیدگاه اجتماع گرایی:** در دیدگاه اجتماع گرا سرمایه اجتماعی با سازمان های محلی چون باشگاه ها، انجمن ها و گروه های مدنی برابر انگاشته می شود. اجتماع گرایان نگاهشان به تعدد و فشردگی این گروه ها در یک اجتماع معطوف است و بر این اعتقادند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است و هر چه بیشتر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماعی دارد (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴ : ۵۳۵-۵۳۶)

**فوکویاما:** فوکویاما معتقد است که اغلب تعاریف ارائه شده بر نمودهای سرمایه اجتماعی و نه خود آن ها اشاره می کنند. او معتقد است که اعتماد، شبکه ها و جامعه مدنی و غیره که به سرمایه اجتماعی مربوطند، تماماً محصول جانبی این پدیده هستند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می آیند ولی سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی دهند. از نظر وی «سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دونفر می شود» (فوکویاما، ۱۳۸۴ : ۱۶۹-۱۷۰). او معتقد است با وجود آنکه در گروه های سنتی همبستگی بالا و در نتیجه سرمایه اجتماعی زیادی وجود دارد ولی به دلیل شعاع ناچیز اعتماد این امر منجر به ناکارآمدی این سازمان ها می شود، همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می کاهد و اغلب آثار خارجی منفی را برای افراد بیرونی تحمیل می کند (همان : ۱۷۳-۱۷۴). فوکویاما به سرمایه اجتماعی از جنبه اقتصادی و همچنین کارکردهای آن در یک دموکراسی لیبرال مبتنی بر بازار آزاد تاکید می کند. از نظر او، مناطق حومه نشین و حاشیه نشین شهری نسبت به دیگر مناطق از لحاظ سرمایه اجتماعی از سطح پایین تری برخوردارند. در این مناطق میزان جرائم و آسیب های اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد و او این افزایش جرائم و مسائل اجتماعی را نشانه فقدان یا فرسایش سرمایه اجتماعی در این مناطق می داند.

**اوفه و فوش:** اوفه و فوش سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع و مناطق و بخش ها دانسته و آن را متغیر، کوچک و بزرگ و کم و زیاد می دانند. آن ها این مفهوم را با سه عنصر توزیع می دهند. الف آگاهی و توجه: شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی سیاسی و توجه به هر چیزی که در وسیع ترین معنا مربوط به امور عمومی باشد. ب اعتماد: که به صورت دوگانه قوی و ضعیف مطرح می شود. اعتماد ضعیف شامل نبود ترس و شکست نسبت به رفتار احتمالی دیگران است و اعتماد قوی زمانی مطرح است که فرد نه تنها به افراد خوش بین باشد بلکه شرکت در یک فعالیت را بدون توجه به ضرر و





زیان و فرصت از دست رفته یک امر خردمندانه بدانند. ج انجمن پذیری: دلالت بر مشارکت فعال شخص در شبکه های رسمی و غیر رسمی دارد (اوفه و فوش، ۲۰۰۰: ۱۸۹ به نقل از فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

اوفه و فوش در گونه شناسی انجمن ها سه نوع را تشخیص می دهند. ۱ انجمن های نخستین: که شامل انجمن هایی با ریشه های قومی و خانوادگی بوده و عضویت در آنها و ساختارهای آن غیر داوطلبانه بوده است. در این انجمن ها اهداف متغیر ولی عضویت ثابت می باشد. ۲ انجمن های سومین: شامل بنگاه ها و موسسات انتفاعی و احزاب سیاسی است. اهداف در این انجمن ها ثابت ولی عضویت متغیر است. ۳ انجمن های دومین: اهداف در این انجمن ها نه پخش شده و غیر مشخص است (انجمن های اولیه) و نه خاص است (انجمن های سومین). اعضا دارای علائق مشترک و پایدار بوده و برنامه ها از طریق تعامل اعضا با یکدیگر مشخص می شود و ترکیب و نحوه عضو گیری بر اساس اصول شهروندی است. از نظر اوفه و فوش تنها انجمن های دومین نشان دهنده و مولد کیفیت جمعی سرمایه اجتماعی است (همان: ۱۹۰-۱۹۱). اوفه و فوش معتقدند که عامل اندازه شهر تأثیری بر روی سرمایه اجتماعی ندارد بلکه تفاوت در تعداد و نوع انجمن های موجود در این فضاها می باشد. به نظر او عضویت در انجمن های سومین با اعضای فراوان و روابط کمتر رودرو در شهرهای بزرگ دیده می شود و در مناطق حومه ای و حاشیه نشین به واسطه تسلط فرهنگ روستایی، بیشتر انجمن هایی از نوع ابتدایی وجود دارد. تنها در شهرهای کوچک و اجتماعات محلی که بیشتر تعاملات چهره به چهره بوده، انجمن ها از نوع دومین می باشد (همان: ۱۸۹-۲۴۳).

**پاتنام:** پاتنام اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای غلبه بر مشکلات اقدامات جمعی به کار می برد و سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه، هنجار و اعتماد می داند که هماهنگی برای سود متقابل را تسهیل می کند. پاتنام این مفهوم را بیشتر در فهم تقویت بنیاد گذاری نهاد های دموکراتیک در سطوح منطقه ای و ملی به کار می برد و معتقد است که افزایش در سرمایه اجتماعی موجب بالاتر رفتن مشارکت سیاسی می شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۷). پاتنام سه جنبه اساسی را در سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد. ۱ اعتماد: اعتماد از نظر او باعث تسهیل همکاری می شود و همکاری نیز اعتماد ایجاد می کند ۲ هنجار های معامله متقابل: هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن و از طریق مجازات ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می شود. از دید او یکی از مهم ترین هنجارها معامله متقابل است که بر دو نوع می باشد. الفمتوازن (ویژه) ۲ عمومی (شایع). ۳ شبکه های





مشارکت مدنی: از دید او شبکه‌ها به دو گونه افقی و عمودی تقسیم می‌شوند. شبکه‌های افقی در جوامع مدنی بیشتر یافت می‌شود. از نظر او شبکه‌های مشارکت مدنی کنش‌های افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند و هر چه در جامعه‌ای مترکم‌تر باشد احتمال همکاری افراد در جهت منافع متقابل بیشتر است (همان: ۲۹۳-۲۹۶). پاتنام معتقد است که حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهر در کاهش سرمایه اجتماعی نقش اساسی دارند. اوسه دلیل را برای آن ذکر می‌کند: الفحومه نشینی و حاشیه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد بنابراین فرصت کمتری را برای ملاقات با دوستان و همسایگان و نشست‌های عمومی پیدا می‌کند. ب پراکندگی، حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط نژادی و طبقاتی محدود می‌گردد. بنابراین پراکندگی و حاشیه‌نشینی به عنوان مکانیسمی علیه سرمایه اجتماعی بین گروهی عمل می‌کند. ج پراکندگی و حاشیه‌نشینی باعث از بین بردن بستگی درونی اجتماع (به واسطه فاصله محل زندگی از محل کار) می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۸۳).

#### چهارچوب نظری تحقیق و منابع استخراج فرضیه‌های تحقیق

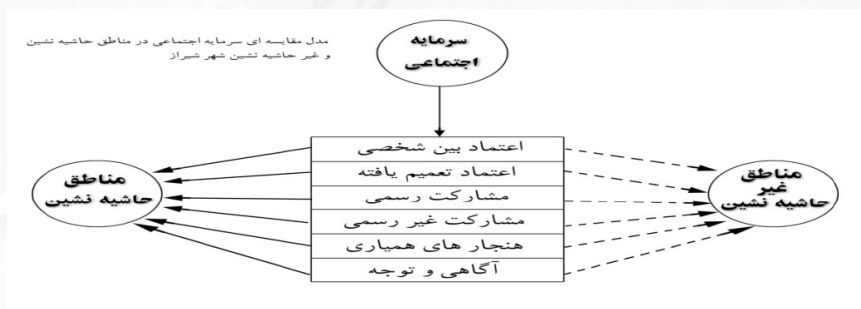
نظریه پردازان سرمایه اجتماعی در مورد تفاوت مناطق از نظر وجود سرمایه اجتماعی به مطالعات گوناگونی پرداخته‌اند و با وجود نوع مناطق، علت‌های مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند. فوکویاما در کارهای خود در مورد سرمایه اجتماعی به تفاوت مناطق مختلف از نظر سرمایه اجتماعی پرداخته و معتقد است که مناطق حومه‌ای و حاشیه‌ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش را میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند که در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر است. پاتنام نیز در بررسی‌های خود به تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی پرداخته و با ذکر دلایل معتقد است که مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ اعتماد، مشارکت و هنجار نسبت به مناطق غیر حاشیه‌ای تفاوت اساسی می‌پذیرد. اوفه و فوش نیز در مقالات خود بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی انسانی به محله‌ها و شهرهای مختلف و تفاوت سرمایه اجتماعی در این مناطق پرداخته است. اوفه و فوش به تفاوت میان انجمن‌ها اشاره کرد و انجمن‌هایی از نوع دومین و عضویت در آن‌ها را نشانه و مولد سرمایه اجتماعی می‌دانند. آن‌ها ضمن استدلال‌هایی معتقدند که در مناطق



حاشیه‌نشین بیشتر انجمنهای از نوع اولیه وجود داشته و در شهرهای بزرگ نیز انجمنهایی از نوع سومین وجود دارد، تنها در شهرهای متوسط و کوچک انجمن‌هایی دومین وجود دارد بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنند که در مناطق حاشیه‌ای و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای متوسط و کوچک از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. دیدگاه اجتماع‌گرایی نیز به فشردگی و تعدد گروه‌ها تأکید کرده و عامل افزایش سرمایه اجتماعی را تعدد چنین گروه‌هایی می‌داند، طرفداران این دیدگاه معتقدند که تعدد و فشردگی این گروه‌ها در مناطق حاشیه‌نشین نسبت به دیگر مناطق کمتر است. در این تحقیق، فرضیه‌های ارائه شده بر اساس ترکیبی از نظریات پاتنام، فوکویاما، اوفه و فوش و دیدگاه اجتماع‌گرایی ارائه شده است.

### مدل تحقیق

مدل ارائه شده از یک طرف تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی رانشان داده و از جهتی دیگر تفاوت هر یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی را در دو نوع منطقه نشان می‌دهد. خطوط منقطع و پیوسته‌ای که در مدل ارائه شده تنها برای نشان دادن تفاوت دو منطقه از لحاظ سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن ارائه شده ولی جهت تفاوت را نشان نمی‌دهند.



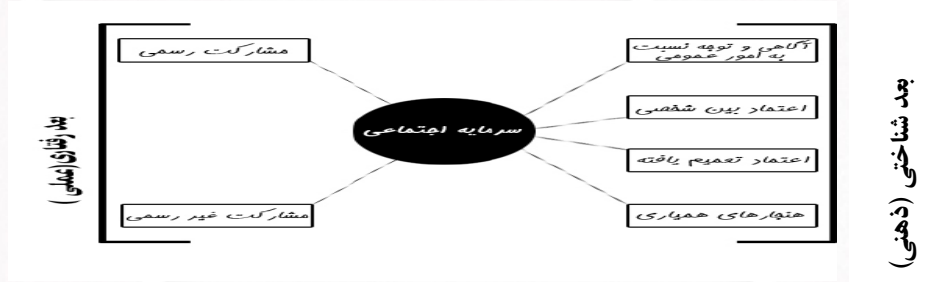
نمودار شماره ۱: مدل مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز

### شاخص‌های سرمایه اجتماعی

در این تحقیق، بر اساس شاخص‌های ارائه شده توسط پاتنام و اوفه و فوش، سرمایه اجتماعی را در بعد شناختی و رفتاری مورد بررسی قرار داده‌ایم که در بعد شناختی از شاخص‌های اعتماد بین شخصی، اعتماد



تعمیم یافته، آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی، هنجارهای همیاری و در بعد رفتاری از دو شاخص مشارکت رسمی و غیر رسمی استفاده شده است:



نمودار شماره ۲: شاخص‌های سرمایه اجتماعی

### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه کلی: بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱: فرضیه‌های جزئی یا عملیاتی

بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ میزان آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ میزان اعتماد بین شخصی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ میزان اعتماد تعمیر یافته تفاوت معناداری وجود دارد.
بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ مشارکت رسمی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ مشارکت غیر رسمی تفاوت معناداری وجود دارد.
بین مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز از لحاظ هنجارهای همیاری تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش پیمایش استفاده شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با استفاده از فرمول حجم برآورد نمونه (لین)، برای جامعه آماری این پژوهش که ۲۲۶۸۴۹ نفر





می باشد، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۵۵۷ نفر محاسبه شد که جهت اطمینان بیشتر نتایج تحقیق، حجم نمونه به ۶۰۰ نفر افزایش یافت. از آنجا که این مطالعه به بررسی سرمایه اجتماعی در دو نوع منطقه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین می پردازد لذا نمونه مورد نظر در دو نوع منطقه توزیع شده است. تعداد خانوار های ساکن در مناطق حاشیه نشین شهر شیراز طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۹۴۳۴ خانوار و در مناطق غیر حاشیه نشین ۲۰۷۴۱۵ خانوار می باشد. در کل از میان کل نمونه ۳۰۰ خانوار در مناطق حاشیه نشین و ۳۰۰ خانوار در مناطق غیر حاشیه نشین مورد پرسش قرار گرفته است به منظور سنجش پایایی پرسشنامه تحقیق، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. که در حد مطلوبی بوده و نشان می دهد که گویه ها از همسازی و پایایی درونی بسیار بالایی برخوردارند.

#### جدول شماره ۱: ضریب آلفای محاسبه شده

مشارکت رسمی	مشارکت غیررسمی	هنجارهای همیاری	آگاهی و توجه	اعتماد بین شخصی	اعتماد تعمیم یافته
۰/۷۶۵۸	۰/۷۷۱۶	۰/۷۱۹۹	۰/۷۵۲۳	۰/۷۱۹۳	۰/۸۱۶۹

#### یافته های پژوهش

##### اطلاعات توصیفی

در مطالعه حاضر از کل دو نمونه آماری، ۶۶ درصد پاسخگویان را مردان و ۳۴ درصد پاسخگویان را زنان تشکیل می دادند. از نظر سطح تحصیلات، بیشتر پاسخگویان در مناطق غیر حاشیه نشین با ۳۰/۴ درصد دیپلم بوده اند و در مناطق حاشیه نشین با ۲۹/۱ درصد در مقطع راهنمایی بوده اند. کمترین درصد پاسخگویان در مناطق حاشیه نشین مقطع فوق لیسانس و بالاتر با ۱/۶ درصد و در مناطق غیر حاشیه نشین مربوط به مقطع ابتدایی و نهضت با ۰/۵ درصد می باشد. در کل مناطق حاشیه نشین تنها ۱۶/۳ درصد از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بود ه ولی در مناطق غیر حاشیه نشین ۴۲/۶ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده اند. هم در مناطق حاشیه نشین و هم در مناطق غیر حاشیه نشین گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله به ترتیب با ۲۷/۳ و ۳۱/۴ بیشترین درصد را به خود اختصاص داده اند. در کل میانگین سن پاسخگویان برابر با ۳۴/۵ سال بوده است.

##### آزمون فرضیات



جدول شماره ۲: آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای مورد بررسی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین  
شهر شیراز

متغیرها	محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مشارکت رسمی	حاشیه نشین	۲۹۹	۲/۶۵	۲/۴۹	-۱۰/۹۴	۰/۰۰۰
	غیر حاشیه نشین	۳۰۰	۵/۱۳	۳/۶۷		
مشارکت غیر رسمی	حاشیه نشین	۲۹۵	۳۸/۸۴	۴/۲۳	۳/۳۱	۰/۰۰۱
	غیر حاشیه نشین	۲۹۷	۳۳/۹۲	۳/۳۳		
اعتماد بین شخصی	حاشیه نشین	۲۹۶	۳۸/۵۸	۳/۹۳	-۵/۳۹	۰/۰۰۰
	غیر حاشیه نشین	۲۹۸	۴۰/۰۷	۳/۷۵		
اعتماد تعمیم یافته	حاشیه نشین	۲۹۶	۴۷/۸۸	۸/۳۵	-۶/۴۹	۰/۰۰۰
	غیر حاشیه نشین	۲۹۸	۵۱/۸۹	۸/۹۲		
هنجارهای همیاری	حاشیه نشین	۲۹۶	۱۶/۸۴	۲/۱۴	۲/۵۰	۰/۰۱۳
	غیر حاشیه نشین	۲۹۸	۱۶/۴۶	۲/۰۳		
آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی	حاشیه نشین	۲۹۶	۹/۱۳	۲/۶۱	-۱۱/۲۰	۰/۰۰۰
	غیر حاشیه نشین	۲۹۸	۱۱/۴۳	۳/۰۵		
سرمایه اجتماعی	حاشیه نشین	۲۹۶	۱۴۸/۹۸	۱۱/۷۰	-۱۱/۸۶	۰/۰۰۰
	غیر حاشیه نشین	۲۹۸	۱۵۹/۷۹	۱۳/۴۴		

در جدول فوق، با توجه به مقدار t و سطح معناداری حاصل از آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای مورد بررسی، مشاهده می‌شود که میانگین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین با یکدیگر تفاوت معناداری داشته و اکثر فرضیات مطرح شده در سطح ۹۹٪ اطمینان قابل پذیرش است. (به جز فرضیه پنجم که در سطح ۹۵٪ اطمینان قابل پذیرش است) همانگونه که داده های جدول نشان می‌دهند از میان متغیرهای مطرح شده میزان‌های بدست آمده برای متغیرهای سرمایه اجتماعی، مشارکت رسمی، آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته در مناطق غیر حاشیه نشین بیشتر از مناطق حاشیه نشین است اما میزان‌های بدست آمده برای ۲ متغیر هنجارهای همیاری و مشارکت غیر رسمی در مناطق حاشیه نشین بیشتر است. در تبیین این تفاوت می‌توان چنین استدلال کرد که در این گونه اجتماعات



حاشیه نشین) همبستگی در میان افراد از نوع همبستگی ستی بوده و مشارکت افراد در سطح محلی و کوچک مقیاس باقی می ماند. همبستگی گروهی در این گونه جوامع همواره رنگ و بوی قومی داشته و با محدودیت های مبتنی بر دین و قومیت و جنسیت همراه است (همبستگی خاص گرایانه) و به سطوح بالاتر گسترش نمی یابد (همبستگی عامگرایانه). از جهت دیگر همانگونه که فوکویاما استدلال نموده است هر مجموعه ای از هنجارها با مصداق عینی به تشکیل سرمایه اجتماعی نمی انجامد این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در گروه بیانجامد. میزان بالاتر هنجارهای همیاری در مناطق حاشیه نشین تنها در وضعیت درون گروهی و خاصگرایانه مطرح بوده، زیرا این میزان بالاتر هنجارهای همیاری در مناطق حاشیه نشین مشارکت رسمی بیشتر آنان را به دنبال نداشته است. به طور کلی در مناطق حاشیه نشین افراد با دو نوع نظام فرهنگی متفاوت برخورد می کنند. آن ها با وجود آنکه از محیط قبلی خود کنده شده، ولی نسبت به نظام فرهنگی قبلی خود نیز تعلق خاطر دارند، از طرف دیگر با فرهنگ و شرایط جدید که با آن رو به رو شده نیز نمی تواند ارتباط معنوی برقرار کند. در نتیجه این افراد با نوعی شک و تردید با افراد و محیط خود برخورد می کنند. در این شرایط اعتماد به اشخاص در کمترین حد خود قرار دارد همانگونه که پاتنام نیز استدلال نموده است تراکم پایین شبکه های مشارکت مدنی از نوع شبکه های افقی و تفوق قدرت شبکه های عمودی، پایین آمدن مشارکت رسمی و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد به طور کلی حاشیه نشینی از آنجایی که افزایش تفکیک اجتماعی را شامل شده، به عنوان مکانیزمی علیه سرمایه اجتماعی بین گروهی عمل می کند. از جهت دیگر همانگونه که اوفه و فوش نیز بیان کرده اند، در مناطق حاشیه نشین بیشتر انجمن هایی از نوع ابتدایی وجود دارد، نه انجمن های دومین. از نظر این دو تنها عضویت در انجمن هایی از نوع دومین ملاک سرمایه اجتماعی محسوب می شود.

### بحث و نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی به یکی از بحث انگیزترین موضوعات در حیطه علوم انسانی بدل شده است. با وجود آنکه بیش از دو دهه از عمر این اصطلاح نمی گذرد اما سابقه این اندیشه به جامعه شناسان کلاسیک و به قدمت خود جامعه شناسی است. امروزه دیگر اهمیت سرمایه اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. مطالعات مختلف به تأثیر سرمایه بر جنبه های مختلف زندگی اشاره کرده اند اما حجم این مطالعات در حوزه توسعه چشمگیرتر است. با وجود آنکه هنوز نمی توان مدعی شد که پارادایم نوینی در توسعه اجمالی دست یافته ایم ولی می توان مدعی شد





که درباره اهمیت روابط اجتماعی در توسعه اجمالی ظهور یافته است. در اکثر برنامه‌های توسعه‌ای روابط اجتماعی و تأثیر آن در پیشبرد استراتژی‌های توسعه و موفقیت آن‌ها نادیده گرفته شده بود. این امر موفقیت این برنامه‌ها را مشکل ساخته و در بعضی از موارد مسایل و مشکلات و پدیده‌های جدیدی را پیش روی جامعه قرار داده است. یکی از مهم‌ترین این مسائل پدیده حاشیه‌نشینی است. در این مناطق اکثراً مهاجرینی هستند که از محیط‌های کوچک و روستاها به این مناطق روی آورده‌اند. ساکنان این مناطق با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده و هر روز بر مشکلات آنان افزوده می‌شود. ناکامی برنامه‌ها برای توسعه این مناطق، برنامه‌ریزان را وادار به توجه و اهمیت دادن به روابط اجتماعی و مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه‌ای کرده است. با توجه به اهمیتی که سرمایه اجتماعی در توسعه این مناطق و همچنین کاهش مشکلات و مسائل اجتماعی این مناطق دارد، در این پژوهش به بررسی سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در دو نوع منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز پرداخته شد. در این تحقیق سعی شده با رویکردی جامعه‌شناختی و با تأکید بر دیدگاه‌های پاتنام، اوفه و فوش، فوکویاما، و همچنین دیدگاه اجتماعی گرای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در دو نوع منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین بررسی شود. داده‌های به دست آمده حاکی از آن بود که از میان شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سرمایه اجتماعی میزان شاخص هنجارهای همیاری و مشارکت غیر رسمی در میان مناطق حاشیه‌نشین بیشتر از مناطق غیر حاشیه‌نشین است. با وجود آنکه میزان این دو شاخص در مناطق حاشیه‌ای بیشتر بوده ولی این میزان تنها در سطح درون گروهی و خاص‌گرایانه مطرح بوده است. زیرا این میزان بالاتر هنجارهای همیاری و مشارکت غیر رسمی، افزایش مشارکت رسمی و اعتماد اجتماعی بیشتر به افراد و نهادها را به دنبال نداشته است. همانگونه که متفکران بیان کرده‌اند این شاخص‌ها تنها در صورتی به عنوان منبع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که به سطح بین گروهی و عام‌گرایانه ارتقا یابند. از دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بررسی شده در این مطالعه می‌توان به اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته، آگاهی و توجه نسبت به امور عمومی و مشارکت رسمی اشاره کرد که نتایج بدست آمده حاکی از میزان بالاتر آن در مناطق غیر حاشیه‌ای بوده است. در کل میزان بدست آمده برای سرمایه اجتماعی بیان‌کننده این امر بود که افراد ساکن در مناطق غیر حاشیه‌نشین از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی و وضعیت خاص حاکم بر این مناطق شرایطی را به وجود آورده که باعث شده سرمایه اجتماعی به





کندی در این مناطق شکل بگیرد و علاوه بر آن سرمایه اجتماعی شکل گرفته در این مناطق نیز بیشتر به صورت خاص گرایانه و درون گروهی مطرح بوده است و به سطوح گسترده‌تر منتقل نشده است. این مسئله باعث شده که اعتماد و مشارکت تنها در گروه‌های خودی و قومی باقی بماند. این امر نه تنها نمی‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی مثبت در نظر گرفته شود بلکه یک نوع سرمایه اجتماعی منفی است که در برخی موارد می‌تواند به عنوان یک مصیبت اجتماعی مطرح شود.

### راهکارها و پیشنهادات

- ۱ رشد و گسترش و تقویت مشارکت رسمی از طریق عرصه‌های مشارکت غیر رسمی مثل مراکز برپایی مناسک و مراسم مذهبی (به واسطه تأثیری که مشارکت رسمی و غیر رسمی بر روی هم دارند)
- ۲ بالا بردن سطح تحصیلات در میان افراد در هر دو منطقه به خصوص مناطق حاشیه‌نشین (سطح تحصیلات و آگاهی رابطه مستقیمی با هم داشته و بالا رفتن سطح تحصیلات موجب بالا رفتن سطح آگاهی و توجه افراد شده و این امر بر حجم سرمایه اجتماعی موجود در میان افراد تأثیر می‌گذارد)
- ۳ تغییر در نظام آموزشی و تغییر در روش‌ها و متون درسی به منظور شکل‌دهی و گسترش هنجارهای همیاری و تشویق به مشارکت در میان افراد.
- ۴ استفاده از صندوق‌های اعتبار گردشی به منظور رفع مشکلات مالی و همچنین گسترش حس همکاری و اعتماد افراد به یکدیگر در هر دو منطقه خصوصاً در مناطق حاشیه‌نشین
- ۵ کمک به مشارکت افراد در امور شهری به منظور گسترش اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به سازمان‌ها و نهادها) و تقویت سرمایه اجتماعی.
- ۶ تشویق و تقویت نهادهای صنفی و حرفه‌ای و تشکیلات تعاونی به منظور گسترش همکاری گروهی و گسترش اعتماد در میان افراد جامعه.
- ۷ گسترش ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر صداقت و اعتماد در این زمینه نقش ادیان و مذاهب برجسته می‌شود. گسترش این ارزش‌ها یکی از عوامل اساسی گسترش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

### فهرست منابع





- ۱ اکبری، امین (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسینج از توابع شهرستان سنقر) دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۲ الوانی، مهدی، شیروانی، علیرضا (۱۳۸۰)، اصطلاحات اداری و سرمایه اجتماعی: تنگناها و راهکارها، نشریه مدیریت و توسعه، پاییز ۱۳۸۰.
- ۳ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، نشریه مدیریت شهری ش ۲.
- ۴ بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، اشکال سرمایه، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران نشر شیرازه.
- ۵ پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، مجموعه مقالات، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
- ۶ پورتس، الهاندرو (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، خواستگاه و کاربردهایش در جامعه مدرن، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
- ۷ سندات، پاتریشا، پورتس، الهاندرو (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه ایده‌ها و دشواری‌ها، ترجمه مصعب عبدالهی، نشریه اندیشه صادق، شماره ۱۱-۱۲.
- ۸ فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
- ۹ فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۳)، بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه تهران.
- ۱۰ کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۱ کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
- ۱۲ لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، شیراز، نشر نوید.
- ۱۳ نوروپور، حسین (۱۳۸۴)، سنجش سرمایه اجتماعی در شرکت خودروسازی سایپا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۴ ولکاک، مایکل، نارایان، دپا (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیراز.





۱۵ Fukuyama. F (۱۹۹۹) 'social capital and civil society accessible at' , [http://www. Prospect.org /print/v۴](http://www.Prospect.org/print/v۴).

۱۶put nam. R (۱۹۹۳) " The prosperous community: social capital and public life" .The American prospect.spring PP.۳۵-۴۲.

۱۷Putnam. R (۲۰۰۰) " Bowling alone: American's De clining social capital, jomal of Democracy, Vol ۶.

۱۸serageldin, ismail and Grootearth, Christian (۲۰۰۰) "Defining social capital: an integration view" word Bank. Washington. D.C



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.  
This page will not be added after purchasing Win2PDF.